

شرح جمال حدیث

لاذ

امام سجاد علیه السلام

به مناسبت شهادت این امام بزرگوار

شرح احادیث: با الهام از دروس استاد غفاری رحمه الله علیه

به قلم: ه. عبادی

آبان ۱۳۹۴

شرح چهل حدیث از امام سجاد علیه السلام

قال الإمام السَّجَّادُ عليه السلام:

۱- مقام رضا:

- الرِّضَا بِمَكْرُوهِ الْقَضَاءِ أَرْفَعُ دَرَجَاتِ الْيَقِينِ .
- خشنودی از پیشامدهای ناخوشایند، بلندترین درجه یقین است .

شرح: چرا که آنچه به امضای خداوند متعال قضا می شود، قطعا بر اساس حکمت الهی بهترین مشیت ممکن بوده است و الا خداوند می توانست و حتما جلوی انجامش را می گرفت. البته دانستن حکمت‌های بالغه ی الهی برای ما در شرایط دنیایی که محدود هستیم محال است. اما یقین به آن، سبب راضی بودن به مقدرات می شود، مقدراتی که هرچند به ظاهر برای انسان مکروه و ناخوشیند است. لذا می بینیم که مومن همواره در حالت رضای از خداست و هرگز نسبت به خداوند سبحان ذره ای سوء ظن ندارد.

۲- کرامت نفس

مَنْ كَرَمَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ هَانَتْ عَلَيْهِ الدُّنْيَا .

- هر که کرامت و بزرگواری نفس داشته باشد، دنیا را پست انگارد .

شرح: در این فرمایش امام علیه السلام راز بزرگی نهفته است و آن اینکه خداوند تمام نعمات دنیا را برای انسان آفریده است. یعنی اگر کسی بداند که از چه مقام و جایگاهی در آفرینش برخوردار است، خود بخود تمام دنیا از منظر او حقیر و ناچیز می نماید. حقیقت این است که خداوند همه ی خلقت را برای انسان آفریده است لذا شایسته نیست که آدمی اسیر این نعمات بشود. بلکه اگر انسان خدا را بندگی کند خداوند همه چیز را بنده ی او می کند. و چنین انسانی است که کرامت و ارزش خویش را شناخته است و لذا دنیا و ما فیها در نظر او کوچک و ناچیز است.

۳- پرهیز از دروغ

إِتَّقُوا الْكِبْرَ الصَّغِيرَ مِنْهُ وَالْكَبِيرَ فِي كُلِّ جِدٍّ وَهَزْلٍ فَإِنَّ الرَّجُلَ إِذَا كَذَبَ فِي الصَّغِيرِ اجْتَرَأَ عَلَى الْكَبِيرِ.

از دروغ کوچک و بزرگ در هر جدی و شوخی بپرهیزید، زیرا چون کسی دروغ کوچک گفت بر دروغ بزرگ نیز جرأت پیدا می کند .

شرح: توجه کنید که کذب به معنای پوشاندن حق است. و حق پوشی از کم شروع شده و به بینهایت ظلم می رسد.

۴- خود نگه داری

الْخَيْرُ كُلُّهُ صِيَانَةُ الْإِنْسَانِ نَفْسَهُ.

تمام خیر آن است که انسان خود را نگه دارد .

شرح: منظور از صیانت نفس همان است که امام صادق علیه السلام در حدیث مشهور جنود عقل و جهل فرموده اند. ایشان در این حدیث در واقع به کالبد شکافی نفس انسان پرداخته اند و فرموده اند که در نفس ما دو نیرو یا دو سپاه دائما در حال فعالیت و نزاعند. جنود عقل و جنود جهل. در حقیقت نفس آدمی در ابتدای راه تعالی یعنی از همان اوان کودکی، در اسفل السافلین جهالت خود قرار دارد. و از طرفی نیروهای مزاجی و طبع حیوانی او هم بر او فرمان می دهند. حال اگر این انسان با استفاده از نبی باطن یعنی نیروی عقل بر نفس چموش و سرکش خود لگام زند، تدریجا مسیر معراجی اش را طی می کند و به کمال و در نهایت به اعلی علیین می رسد.

در حقیقت عقل عاملی بازدارنده در وجود بشر است. کلمه ی عقل با کلمه ی عقال از یک ریشه اند و عقال در زبان عربی به ریسمانی گفته می شود که بر دهنه ی اسب و یا شتر مست و رم کرده می بندند تا مهارش کنند. نفس انسان نیز اگر با نیروی عقل کنترل نشود همچون حیوانی وحشی هم به خودش و هم به دیگران ضرر می زند. لذا حقیقتا که تمام خیر در همین بازداشتن و صیانت نفس سرکش است.

۵- همنشینان ناشایسته

إِيَّاكَ وَ مُصَاحَبَةَ الْكَذَّابِ، فَإِنَّهُ بِمَنْزِلَةِ السَّرَابِ يُقَرَّبُ لَكَ الْبَعِيدَ وَ يُبْعَدُ لَكَ الْقَرِيبَ. وَ إِيَّاكَ وَ مُصَاحَبَةَ الْفَاسِقِ فَإِنَّهُ بَايَعَكَ بِأَكْلِهِ أَوْ أَقْلٍ مِنْ ذَلِكَ. وَ إِيَّاكَ وَ مُصَاحَبَةَ الْبَخِيلِ فَإِنَّهُ يَخْذُلُكَ فِي مَالِهِ أَحْوَجَ مَا تَكُونُ إِلَيْهِ. وَ إِيَّاكَ وَ مُصَاحَبَةَ الْأَحْمَقِ، فَإِنَّهُ يُرِيدُ أَنْ يَنْفَعَكَ فَيَضُرُّكَ. وَ إِيَّاكَ وَ مُصَاحَبَةَ الْقَاطِعِ لِرَحِمِهِ، فَإِنِّي وَجَدْتُهُ مَلْعُونًا فِي كِتَابِ اللَّهِ

۱- مبدا با دروغگو همنشین شوی که او چون سراب است، دور را به تو نزدیک کند و نزدیک را به تو دور نماید ▪

۲- مبدا با فاسق و بدکار همنشین شوی که تو را به یک لقمه و یا کمتر بفروشد ▪

۳- مبدا همنشین بخیل شوی که او در نهایت نیازت بدو، تو را واگذارد ▪

۴- مبدا با احمق رفیق شوی که چون خواهد سودت رساند، زیانت میزند ▪

۵- مبدا با آنکه از خویشان خود می بُرد، مصاحبت کنی که من او را در قرآن ملعون یافتیم ▪

۶- ترک سخن بی فایده و دوری از جدل:

إِنَّ الْمَعْرِفَةَ وَ كَمَالَ دِينِ الْمُسْلِمِ تَرْكُهُ الْكَلَامِ فِيمَا لَا يَغْنِيهِ وَ قَلَّةُ مِرَائِهِ وَ حِلْمُهُ وَ صَبْرُهُ وَ حُسْنُ خُلُقِهِ

معرفت و کمال دینت مسلمان، ترک کلام بی فایده و کم جدل کردن، و حلم و صبر و خوشخویی اوست ▪

شرح: در باب سخن بیفایده نکته ی مهم این است که باید نشانه های آن را بدانی تا بتوانی از آن دوری گزینی. و از بزرگترین نشانه های آن این است که از زبان غیر اهل فن در آید. مثلا کسانی که در علم دین فقیه نشده اند، بسیار دیده شده و می شود که می نشینند و در باب خدا و پیغمبر و احکام الهی سخن می گویند. و در نهایت هم از آنجا که نمی توانند به نتایج درستی برسند، سرخورده و مأیوس بلند شده و دچار این اشتباه می شوند که مثلا خدایی وجود ندارد و احکام هیچ حکمتی ندارند. در حالیکه اینان درست مثل افرادی عامی در علم پزشکی هستند که با هم بر سر انواع بیماری ها و یا داروها بحث کنند و طبیعتا به نتیجه ای نمی رسند

لذا باید دانست که حضرت امام سجاد علیه السلام در این کلام گهربارشان گویی دارند به ما متذکر می شوند که باید احکام دین و معانی قرآن را جز از ما نگیرید. چراکه جز آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم کسی علم کامل و تأویل قرآن را نمی داند. در همین راستا به حدیث بعد توجه نمایید:

۷ - قال عليه السلام: إِنَّ دِينَ اللَّهِ لَا يُصَابُ بِالْعُقُولِ النَّاقِصَةِ، وَ الْأَرَأُ الْبَاطِلَةِ، وَ الْمَقَائِيسِ الْفَاسِدَةِ، وَ لَا يُصَابُ إِلَّا بِالتَّسْلِيمِ، فَمَنْ سَلَّمَ لَنَا سَلَّمَ، وَ مَنْ اهْتَدَى بِنَا هُدَى، وَ مَنْ دَانَ بِالْقِيَاسِ وَ الرَّأْيِ هَلَكَ.

به وسیله عقل ناقص و نظریه های باطل، و قیاس های فاسد و بی اساس نمی توان به دین خدا دست یافت؛ تنها وسیله رسیدن به دین واقعی، تسلیم محض می باشد؛ پس هر کس تسلیم ما اهل بیت باشد (از هر انحرافی) در امان است و هر که به وسیله ما هدایت یابد خوشبخت خواهد بود. و شخصی که با قیاس و نظریات شخصی خود بخواهد دین را دریابد، هلاک می گردد.

و نیز توجه کنید به حدیث بعد:

۸ - تقدّم طاعت خدا بر هر چیز
قَدِّمُوا أَمْرَ اللَّهِ وَ طَاعَتَهُ وَ طَاعَةَ مَنْ أَوْجَبَ اللَّهُ طَاعَتَهُ بَيْنَ يَدَيِ الْأُمُورِ كُلِّهَا .
طاعت خدا و طاعت هر که را خدا واجب کرده بر همه چیز مقدّم بدارید .

۹ - محاسبه نفس و توجه به معاد
إِبْنِ آدَمَ! إِنَّكَ لَا تَزَالُ بِخَيْرٍ مَا كَانَ لَكَ وَعِظٌ مِنْ نَفْسِكَ، وَ مَا كَانَتْ الْمَحَاسِبَةُ مِنْ هَمِّكَ، وَ مَا
كَانَ الْخَوْفُ لَكَ شِعَارًا وَ الْحَذَرُ لَكَ دِنَارًا .
إِبْنِ آدَمَ! إِنَّكَ مَيِّتٌ وَ مَبْعُوثٌ وَ مَوْقُوفٌ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ جَلَّ وَ عَزَّ، فَأَعِدْ لَهُ جَوَابًا.
ای فرزند آدم! به راستی که تو پیوسته رو به خیر، تا زمانی که خودت را پند دهی و حساب
خودت را بررسی و ترس از خدا را روپوش و پرهیز را زیرپوش خود سازی.
ای فرزند آدم! تو خواهی مرد و برانگیخته خواهی شد و در حضور خداوند عزّ و جلّ قرار
خواهی گرفت، پس برای او جوابی را آماده کن .

۱۰- نتایج دعا

اَلْمُؤْمِنُ مِنْ دُعَائِهِ عَلٰی ثَلَاثٍ: اِمَّا اَنْ يُدَخَّرَ لَهُ وَاِمَّا اَنْ يُعَجَّلَ لَهُ وَاِمَّا اَنْ يُدْفَعَ عَنْهُ بَلَاءٌ يَّرِيدُ اَنْ يُصِيبَهُ

مؤمن از دعایش سه نتیجه می گیرد :

۱- یا برایش ذخیره گردد،

۲- یا در دنیا برآورده شود،

۳- یا بلایی را که خواست به او برسد، از او بگرداند .

شرح: در واقع امام علیه السلام می خواهند به ما بفهمانند که هیچ دعایی بیفایده نیست. و حتی بالاتر ازین، در حقیقت تنها سرمایه ی بشر همین دعا است. چنانکه مولا علی ع در دعای کمیل اشاره کرده اند که مَنْ يَمْلِكُ اِلَّا الدُّعَا ، یعنی من کسی هستم که بجز دعا سرمایه ای ندارم. و خداوند هم در سوره ی فرقان فرموده است که :

قُلْ مَا يَعْجَبُوكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ فَقَدْ كَذَّبْتُمْ فَسَوْفَ يَكُونُ لِزَامًا (فرقان، ۷۷)

بگو: «پروردگارم برای شما ارجی قائل نیست اگر دعای شما نباشد؛

شما(آیات خدا و پیامبران را) تکذیب کردید، و(این عمل) دامان شما را خواهد گرفت و از شما جدا نخواهد شد!»

در واقع امام سجاد علیه السلام فرموده اند که تمام دعاها ی ما یا در دنیا بر آورده می شوند و یا برای آخرت ما ذخیره می شوند و نکته ی مهم اینجاست که در قسمت سوم امام علیه السلام گویا دارند فرایند فایده بخشی دعا را برای ما شرح می دهند. دقت کنید که دعا در حقیقت یعنی متوسل و متمسک بودن به خدا. یعنی هر دعایی صرف نظر از موضوعش، خود بخود نوعی تمسک به خداوند است. مردم غالباً تصور میکنند که دعا ابزاریست برای رسیدن آنها به حوائجشان، در حالی که حقیقت امر این است که آن حوائج ابزارهایی هستند برای بردن ما به سمت دعا!

اگر انسان در حال تمسک به خدا باشد در مسیر درست زندگی می کند و چنین انسانی در نهایت سر از سعادت در می آورد . لذا گفته اند که هر که در این بزم مقرب تر است جام بلا بیشترش می دهند.

همچنین در تأکید بر جایگاه دعا توجه کنید به حدیث بعد:

۱۱- دعا، سپر بلا

إِنَّ الدُّعَاءَ لَيَرُدُّ الْبَلَاءَ وَقَدْ أُبْرِمَ إِبْرَامًا. أَلدُّعَاءُ يَدْفَعُ الْبَلَاءَ النَّازِلَ وَمَا لَمْ يَنْزِلْ

به راستی که دعا، بلا را برگرداند، آن هم بلائی حتمی را. دعا بلائی را که نازل شده و آنچه را نازل نشده دفع کند.

۱۲- اسباب نجات

ثَلَاثٌ مُنْجِيَاتٌ لِلْمُؤْمِنِ: كَفُّ لِسَانِهِ عَنِ النَّاسِ وَ اغْتِيَابِهِمْ. وَ اشْتِغَالُهُ نَفْسَهُ بِمَا يَنْفَعُهُ لِآخِرَتِهِ وَ

دُنْيَاهُ وَ طَوْلُ الْبُكَاءِ عَلَى خَطِيئَتِهِ .

سه چیز سبب نجات مؤمن است :

۱- بازداشتن زبان از غیبت مردم،

۲- مشغول کردن خودش به آنچه که برای آخرت و دنیایش سود دهد،

۳- و گریستن طولانی بر گناهش .

شرح: اگر شما در دریایی در حال غرق شدن باشید و به شما بگویند که مثلاً راه نجات شما از طوفان، نشستن بر فلان بخش از کشتی است، آیا عاقلانه است که شما در بخش دیگری بنشینید؟ علی الخصوص که کسی به شما چنین خبری داده باشد که خبره ترین و آگاه ترین فرد است!

در این حدیث گویی امام سجاد علیه السلام دارند به ما غرق شدگان در دریای پر بلائی دنیا راه چاره را نشان میدهند. حال با این حساب محاسبه ی اعمال کاری است آسان. ما با این حدیث معیار و میزانی مطمئن در دست داریم. خوب است که با این میزان هر روز خود را بسنجیم و ببینیم که آیا در طول روزها و هفته ها و سالهای عمرمان مشغول اموری هستیم که ساختن دنیا را در پی دارد و یا ساختن آخرت را؟ و حقیقتاً اگر انسان زندگی حقیقی را باور کند ، یعنی باور کند که در این دنیا ما فقط برای زندگی کردن دوره می بینیم ، در حالیکه زندگی حقیقی در آخرت بر ایمان محقق می شود، باید برای انجام تمام خسارتهایی که تا کنون به خود زده ایم آرام ننشینیم و با حسرت و ندامت در درگاه خداوند زاری کنیم و تمنا کنیم که او خود جبران خسارتهایی که ما زده ایم را بکند. چراکه از عهده ی ما خارج است و جز از او که جبار ، یعنی بسیار جبران کننده است بر نمی آید

در این خصوص است حدیث بعد:

۱۳- به سوی بهشت

مَنْ اشْتَقَ إِلَى الْجَنَّةِ سَارَعَ إِلَى الْخَيْرَاتِ وَ سَلَ عَنْ الشَّهَوَاتِ وَ مَنْ أَسْفَقَ مِنَ النَّارِ بَادَرَ بِالتَّوْبَةِ إِلَى اللَّهِ مِنْ ذُنُوبِهِ وَ رَاجَعَ عَنِ الْمَحَارِمِ

هر که مشتاق بهشت است به حسنات شتابد و از شهوات دوری گزیند، هر که از دوزخ ترسد برای توبه از گناهانش به درگاه خدا پیشی گیرد و از حرام‌ها برگردد .

و نیز به دو حدیث بعد توجه کنید:

۱۴- قال عليه السلام: ما تَعَبَ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ فِي الدُّنْيَا لِلدُّنْيَا، بَلْ تَعَبُوا فِي الدُّنْيَا لِلْآخِرَةِ

دوستان و اولیاء خدا در فعالیت‌های دنیوی خود را برای دنیا به زحمت نمی‌اندازند و خود را خسته نمی‌کنند بلکه برای آخرت زحمت می‌کشند.

۱۵- دنیا مایه ارزش نیست:

أَعْظَمُ النَّاسِ خَطْرًا مَنْ لَمْ يَرَ الدُّنْيَا خَطْرًا لِنَفْسِهِ

پرازش‌ترین مردم کسی است که دنیا را مایه ارزش خود نداند .

۱۶- ثواب نگاه

نَظَرُ الْمُؤْمِنِ فِي وَجْهِ أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ لِلْمَوَدَّةِ وَ الْمَحَبَّةِ لَهُ عِبَادَةٌ

نگاه مهرآمیز مؤمن به چهره برادر مؤمنش و محبت به او عبادت است .

شرح: عبادت خداوند و عبودیت دارای مراتب و انواعی است. در حقیقت روح تمام عبادات ، طلب رشد و تعالی آدمی است تا رسیدن به مقام قرب الهی. حال باید دید که مقام قرب یعنی چه؟ البته بدیهی است که قرب به خدا قرب فیزیکی و مکانی نیست! چراکه خداوند دارای جسم و مکان نیست. لذا معنای قرب را باید در نزدیک شدن صفات عبد به معبود جستجو کرد. در واقع انسان عابد می‌کوشد که در بُعد صفات و ویژگی‌هایش به خدای خود نزدیک و نزدیکتر شود. و اما یکی از بارزترین صفات خداوند فیاض بودن و رحمان بودن است. اساساً صفات کمالیه‌ی خداوند زمانی بروز می‌کند که در مقابلش انسانی باشد. در واقع صفات رحیم و غفور و ستار بودن خدا برای نباتات و حیوانات و سایر مخلوقات قابل ظهور نیست. تا انسانی نباشد خداوند برای چه کسی می‌تواند ستار و رحیم و غفار و ... باشد.

با اندکی تأمل در می یابیم که چرا در معارف دین این همه سفارش به رعایت حقوق انسانها و داشتن مهر و محبت نسبت به انسانها شده است. در واقع هر انسانی برای ما فرصتی است طلایی برای تقرب صفاتی به خدا!
 لذا حقیقتا که هیچ عبادتی افضل از خدمت به خلق نیست. چرا که بیشترین تقرب به خدا برای ما در خدمت رسانی و فیاض بودن برای بندگانش ممکن و محقق می گردد.
 و در همین راستا حدیث بعد را ببینید:

۱۷ - قال علیه السلام: مَنْ زَارَ أَخَاهُ فِي اللَّهِ طَلَبًا لِإِنْجَازِ مَوْعُودِ اللَّهِ، شَيَّعَهُ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ، وَ هَتَفَ بِهِ هَاتِفٌ مِنْ خَلْفٍ أَلَا طِيبَتْ وَلَا طَابَتْ لَكَ الْجَنَّةُ، فَإِذَا صَافَحَهُ غَمَرَتْهُ الرَّحْمَةُ
 هرکس به دیدار دوست و برادر خود برود و برای رضای خداوند او را زیارت نماید به امید آن که به وعده‌های الهی برسد، هفتاد هزار فرشته او را همراه و مشایعت خواهند کرد، و نیز هاتفی از پشت سر ندایش در دهد که بهشت گوارایت باد که از آلودگی‌ها پاک شوی. پس چون با دوست و برادر خود دست دهد و مصافحه کند رحمت فرایش خواهد گرفت.

۱۸ - پارسایی و دعا

مَا مِنْ شَيْءٍ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ بَعْدَ مَعْرِفَتِهِ مِنْ عِقْفِهِ بَطْنٍ وَ فَرْجٍ وَ مَا مِنْ شَيْءٍ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ مِنْ أَنْ يُسْأَلَ

چیزی نزد خدا، پس از معرفت او، محبوب‌تر از پارسایی شکم و شهوت نیست، و چیزی نزد خدا محبوب‌تر از درخواست کردن از او نیست .

شرح: در این حدیث شریف نکته‌ی بسیار مهمی بیان شده است و آن این است که راه رسیدن به معرفت، نگه داشتن شهوت و باطن است! یعنی انسانی که با عقال زدن به نفس سرکشش، بتواند صیانت نفس کند، نفسش آماده‌ی دریافت حکمتها می شود و به معرفت می رسد. و البته این کافی نیست. چرا که همانطور که گذشت، خداوند در آیه‌ی ۷۷ سوره‌ی فرقان فرموده است که اگر خواهش شما نباشد چیزی به شما نخواهد بخشید. نکته‌ی کلیدی در این حدیث شریف و عظیم این است که امام سجاد علیه السلام در حقیقت راه رسیدن به معرفت را که هدف خداوند از خلقت بشر است، دو چیز دانسته اند: یکی ترک شهوات و صیانت نفس و دیگری خواهش و دعا و تمنا از خداوند.

۱۹- پذیرش عذر دیگران

إِنْ شَتَمَكَ رَجُلٌ عَنْ يَمِينِكَ ثُمَّ تَحَوَّلَ إِلَى يَسَارِكَ وَاعْتَذَرَ إِلَيْكَ فَأَقْبِلْ عُذْرَهُ

اگر مردی از طرف راستت به تو دشنام داد و سپس به سوی چپت گردید و از تو عذرخواهی نمود، عذرش را بپذیر ▪

شرح: برای فهم حکمت این حدیث، توجه کنید به این نکته که قبلا عرض شد و آن اینکه انسان باید دائم به دنبال تقرب بیشتر و بیشتر به خداوند باشد. و حال قضاوت کنید و بیندیشید که مگر نه آنکه یکی از بزرگترین صفات خداوند بخشش است. و مگر نه اینکه از کریم جز بخشش و کرامت انتظاری نیست. پس بر ما واجب است که همچون خدای خود بخشنده باشیم. درست همانطور که خودمان بارها و بارها بلافاصله بعد از ارتکاب جرم و جنایت پشیمان شده و بلافاصله رو به خداوند کرده و طلب بخشش داشته ایم، شایسته است که بندگان او را هم ببخشاییم. البته با این بخشش این خود ما هستیم که در مسیر تقرب به صفات خدا اوج خواهیم گرفت ان شا الله.

هرچند این نوع بخشش های سهل و راحت در بین مردم، فضای جامعه را هم تبدیل به فضایی امن برای ادامه ی حیات اجتماعی مردم می کند و این خود از تبعات دنیایی و اجتماعی چنین فرامینی است.

۲۰- حق خدا بر بنده

فَأَمَّا حَقُّ اللَّهِ الْأَكْبَرِ فَإِنَّكَ تَعْبُدُهُ لَا يُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا فَإِذَا فَعَلْتَ ذَلِكَ بِإِخْلَاصٍ جَعَلَ لَكَ عَلَى نَفْسِهِ أَنْ يَكْفِيكَ أَمْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَ يَحْفَظَ لَكَ مَا تُحِبُّ مِنْهَا

حق خداوند بزرگ این است که او را بپرستی و چیزی را شریکش ندانی و چون از روی اخلاص این کار را کردی، خدا بر عهده گرفته که کار دنیا و آخرت تو را کفایت کند و آنچه از او بخواهی برایت نگه دارد ▪

شرح: شرک انواع فراوانی دارد و از انواع بسیار خفی شرک این است که ما از هوای نفس خودمان متابعت می کنیم . یعنی بجای اطاعت از خدا از خواسته و امیال خودمان در تشخیص هایمان تبعیت می کنیم و این خود از شرکهای خفی است که ما را کم کم به شرک جلی می کشاند.

نکته ی جالب این است که انسانها عموماً برای رسیدن به خواسته هایشان دچار این نوع از شرک می شوند در حالیکه اگر این فرمایش امام معصوم علیه السلام را خوب درک کنیم می فهمیم که ایشان دارند به ما میفهمانند که اگر چنین انسانی از هوای نفسش اطاعت نکند، بر خداوند واجب می شود که تمام نیازهای او را بر آورد. در واقع چونکه صد آمد نود هم پیش ماست! یعنی کسی که خدا را دارد همه چیز را دارد. انسان خالص درست مثل طفلی خود را در دامن خدای حکیم که مانند پدر و مادری دلسوز و توانا است، رها می کند. و آن وقت خداوند که از خود او هم به نیازهایش بیشتر علم دارد، تمام حاجاتش را در بهترین زمان ممکن برآورده می کند.

۲۱- ترغیب به علم

لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي طَلْبِ الْعِلْمِ لَطَلَبُوهُ وَ لَوْ بِسَفْكِ الْمُهْجِ وَ خَوْضِ اللَّجْجِ .

اگر مردم بدانند که در طلب علم چه فایده ای است، آن را می طلبند اگر چه با ریختن خون دل و فرو رفتن در گردابها باشد .

شرح: براستی چرا در مکتب ائمه اطهار علیهم السلام این همه بر طلب علم امر و تأکید شده است؟

اگر مکتب اسلام را به رهبری چهارده معصوم علیهم السلام با سایر مکاتب مقایسه کنید خواهید دید که در هیچ مکتبی این همه تأکید بر کسب علم و معارف وجود ندارد. علتش این است که این بزرگواران که حبل الله و سفینه النجاتند آمده اند تا امر آخرت ما را احیا کنند و در آخرت قدر و مقام هرکس به میزان علم و معرفت اوست. در حدیثی از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آمده است که مردم خیال می کنند که در آخرت با اعمالشان سنجیده می شوند در حالیکه در آخرت با قدر و میزان عقولشان سنجش خواهند شد. یعنی اگر می خواهی مراتب آخرتی ات را بدانی، ببین چقدر از حقایق را می دانی. ببین چقدر خدا را و دین خدا را می شناسی و با حکمت احکام آشنایی؟ البته بدیهی است کسی که حکمت احکام را بداند، اعمالش را هم بر همان اساس انجام می دهد و پرونده ی عملش نیز سنگین و با ارزش می شود. لذا آن عملی در آخرت مقبول است که با معرفت و آگاهی انجام شده باشد. به قول بزرگی که میگفت شما وقتی تشنه هستید اگر بر روی کاغذی بنویسی آب و یا مدام بگویی آب، آیا سیراب می شوی؟ لذا همانطور که برای سیراب شدن باید آب را بنوشی، برای

رسیدن به حقیقت و مراتب بالای بهشت هم باید حکمت احکام و آیات را بدانی. و صرف طوطی واری خواندن نماز و قرآن ما را نهایتا تا پشت در بهشت می برد نه بالاتر!

۲۲- ارزش مجالس صالحان

مَجَالِسُ الصَّالِحِينَ دَاعِيَةٌ إِلَى الصَّلَاحِ وَ آدَابُ الْعُلَمَاءِ زِيَادَةٌ فِي الْعَقْلِ
مجلس های شایستگان، دعوت کننده به سوی شایستگی است و آداب دانشمندان، فزونی در خرد است .

شرح: اگر طالب آن هستی که در آخرت جزو صالحین باشی، از همین جا باید شروع کنی. در مجالسی نشست و برخاست داشته باش که صالحان جمع می شوند. این حدیث شریف تأکید بر انتخاب آگاهانه ی همنشین است.

از سوی دیگر امام علیه السلام فرموده اند که آداب علما، عامل زیاد شدن عقل است. نکته: باید دانست که مراد از علما چه کسانی است و منظور از آداب چیست و عقل چگونه زیاد می شود؟

مراد از علما در معنای خاص انسانهای معصوم است و در معنای عام به تمام کسانی که علمی دارند اطلاق شده است. و اما منظور از آداب، تمام آن اعمالی است که علما در کسب علم رعایتش می کنند. برای انسان عالم ، آن هم عالم در معنای خاص که معصومین علیهم السلام هستند، چه آدابی می تواند بجز شریعت ناب محمدی در مکتب اسلام وجود داشته باشد؟ لذا باید دانست که مراد از آداب علما شاید چیزی نباشد جز رعایت شرع الهی !
و اما کیفیت زیاد شدن عقل:

باید توجه داشته باشیم که عقل با هوش فرق دارد. هوش آن نیرویی است که خداوند بطور عام به مومن و کافر افاضه نموده است. اما عقل را به نحو خاص به مومن عطا می کند. برای فهم این مطلب به این مثال توجه کنید:

به نظر ما کسی که در آزمایشگاه های بزرگ اتمی در حال ساختن بمبهای پیشرفته است، فردی است که از بهره ی هوشی بالایی برخوردار است. ولی ما درباره ی کسی که بمب سازی می کند و مردم آزار است می گوئیم که این فرد عقل ندارد و کارش عاقلانه نیست!

و اما هوش امریست که از ابتدای عمر تا انتها یکسان است و رشد نمیکند. اما عقل عاملی است که هرچه ایمان فرد بیشتر شود، این نیرو یعنی عقل هم در او بالا و بالاتر می رود. لذا ما انسانهایی مثل ائمه اطهار علیهم السلام را عاقلترین افراد بشر می دانیم.

نتیجه: امام سجاد علیهم السلام در این حدیث شریف در واقع دارند به ما می گویند که متابعت از شرع، سبب رشد ایمان و رشد عقل و عقال زدن به نفس و لذا سبب نجات ما در آخرت می شود.

در این خصوص به حدیث بعد توجه کنید:

۲۳ - قال علیه السلام: مَنْ لَمْ يَكُنْ عَقْلُهُ أَكْمَلَ مَا فِيهِ، كَانَ هَلَاكُهُ مِنْ أَيْسَرِ مَا فِيهِ. کسی که بینش و عقلش کاملترین چیزش نباشد هلاکتش آسانترین چیزش است.

۲۴ - گناهای که مانع اجابت دعایند:

الدُّنُوبُ الَّتِي تَرُدُّ الدُّعَاءَ: سُوءُ النِّيَّةِ، وَ خُبْتُ السَّرِيرَةَ، وَ النِّفَاقُ مَعَ الإِخْوَانِ، وَ تَرَكَ التَّصَدِيقَ بِالْإِجَابَةِ، وَ تَأْخِيرُ الصَّلَوَاتِ الْمَفْرُوضَةِ حَتَّى تَذْهَبَ أَوْقَاتُهَا، وَ تَرَكَ التَّقَرُّبَ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ بِالْبَرِّ وَ الصَّدَقَةِ، وَ اسْتِعْمَالُ الْبَدَاءِ وَ الْفُحْشِ فِي الْقَوْلِ

گناهای که دعا را رد می کنند، عبارتند از :

۱- نیت بد، ۲- ناپاکی باطن، ۳- نفاق با برادران، ۴- عدم اعتقاد به اجابت دعا، ۵- تأخیر نمازهای واجب از وقت خودش، ۶- ترک تقرب به خداوند عزوجل به وسیله ترک احسان و صدقه، ۷- ناسزاگویی و بدزبانی ▪

شرح: باید دانست که رد شدن دعا از سوی خدا نیست، بلکه رد شدن دعا از جانب اعمال خود ما است. در واقع کسی که ظاهراً دست به دامن خدا می شود ولی در باطن هیچ دعا و خواهشی ندارد را تصور کنید ، آیا این شخص اساساً دعایی کرده است که منتظر اجابت باشد؟

دعا کردن یعنی خواستن و اگر خواستن رخ ندهد از اجابت هم بطور طبیعی خبری نخواهد بود.

اگر به مواردی که امام علیه السلام برشمرده اند دقت کنیم متوجه می شویم که اینها تماماً اعمالی است که روح دعا است. یعنی کسی که در نیتش غل و غش باشد و بد خواه خلق خدا باشد و ... در حقیقت این شخص اصلاً فردی دعا کننده نیست. شما اگر از دوستی تقاضایی

داشته باشید اولین شرط داشتن تقاضا، داشتن نیت پاک در وجود شما است، یعنی شما نمی توانید بد خواه کسان و متعلقین کسی باشید و در عین حال از او چیزی بخواهید. البته بدیهی است که آن فرد شما را سود جو و منفعت طلبی بیش نخواهد دید. کسی که فقط بدنبال منافع خویش است و ذره ای رعایت حق دیگران را ندارد. خصوصا حق کسی را که به در خانه اش رفته است. در چنین وضعی حتما دست رد به سینه‌ی او خواهد خورد. به اصطلاح به چنین کسی می گویند اول برو و برادری ات را ثابت کن و بعد بیا سراغ ما...
ما نیز اگر تمام عمر خود در حالت کینه نسبت به بندگان خدا هستیم، نباید توقع بر آورده شدن دعا داشته باشیم.

در این حدیث ترک نمازهای واجب نیز از عوامل رد دعا برشمرده شده که البته با توضیحات فوق این نیز کاملا قابل توجیه است.
همچنین توجه کنید به ترک تقرب به خدا از طریق ترک احسان و صدقه که اینها هم مصداق پشت کردن به کسی است که از او می خواهیم و تمنا داریم.

در این خصوص حدیث بعد را ببینید:

۲۵- پاداش احسان

مَنْ كَسَا مُؤْمِنًا كَسَاهُ اللَّهُ مِنَ الثِّيَابِ الْخُضْرِ

هر که مؤمنی را بپوشاند، خداوند به او از جامه های سبز بهشتی بپوشاند .

۲۶- تارکان جاودانگی

عَجَبًا كُلُّ الْعَجَبِ لِمَنْ عَمِلَ لِدَارِ الْفَنَاءِ وَ تَرَكَ دَارَ الْبَقَاءِ

شگفتا! از کسی که کار می کند برای دنیای فانی و ترک می کند سرای جاودانی را !

شرح: چه بسیار ائمه اطهار علیهم السلام تلاش کرده اند که به ما بفهمانند که این دنیا دار فانی و گذرا است و سرای آخرت، دیار باقی و جاودانه ی ما خواهد بود! اما باز هم ما متأسفانه در تمام برنامه ریزیها و فعالیتهای خود این مهم را فراموش میکنیم و لذا در اموری گرفتار می شویم که فقط برای آبادانی این سرای فانی است. وضع ما درست مانند وضع مسافری است که برای چند روزی در یک مهمان سرا یا هتل اقامت گزیده است. اما بجای رفتن برای زیارت به بیرون از این هتل، تمام وقتش را در روزهای اقامتش در همان هتل بگذراند و مثلا به شستن و

آراستن آنجا مشغول شود و یک باره به خودش بیاید که زمان سفر تمام شده و او از هدف اصلی بازمانده است.

مولا امیر المومنین هم فرموده اند که الدنيا دار الممر و الآخرة دار المقرّ، یعنی دنیا محل عبور کردن است و آخرت محل استقرار و ماندگاری. و حالا آیا عاقلانه و حکیمانه است که آدمی بجای تلاش برای منزلگاهی ابدی، به فکر منزل موقتش باشد؟

بعضی ها می گویند که این منزل موقت دنیا، آنقدرها هم موقت نیست چرا که لااقل پنجاه شصت سال از عمرمان را اینجاییم. در پاسخ به ایشان باید گفت که اگر صدها یا هزاران سال هم در دنیا بودیم، در قیاس با ابدیت و بینهایت بودن زندگی آخرت، باز هم این هزاران سال مساوی با صفر است. چراکه عدد هر قدر هم بزرگ باشد در برابر بینهایت صفر است.

۲۷- دنیا وسیله است، نه هدف

مَا تَعْبَ أَوْلِيَاءُ اللَّهِ فِي الدُّنْيَا لِلدُّنْيَا، بَلْ تَعْبُوا فِي الدُّنْيَا لِلْآخِرَةِ

اولیای خدا در دنیا برای دنیا رنج نمی کشند، بلکه در دنیا برای آخرت رنج می کشند .

شرح: عبارت «اولیاء خدا» در این حدیث دو معنا دارد: یکی معنای خاصش که چهارده معصومند و یکی معنای عامش که تمام انسانهای خدا دوست هستند.

نکته ی جالب این است که اگر به معنای اول توجه کنیم میبینیم که منظور امام علیه السلام این است که ما که خلفای خدا هستیم، بر خلاف سایر مکاتب بدنبال این نیستیم که فقط دنیای شما را برایتان آباد نماییم بلکه ما بدنبال آبادانی آخرت شما هستیم. البته چونکه صد آمد نود هم پیش ماست!

لذا برای درک سیره ی ائمه اطهار علیهم السلام لازم است که به این حقیقت توجه کنیم که تمام حرکات و قیام و قعود ایشان برای زنده کردن امر آخرت و برای این است که ما را در آخرت سعادت مند بنمایند.

۲۸- به خدا پناه می برم !

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ هَيِّجَانِ الْحِرْصِ وَ سَوْرَةِ الْغَضَبِ وَ غَلْبَةِ الْحَسَدِ... وَ سُوِّ الْوَلَايَةِ لِمَنْ تَحْتَ اُیْدِنَا

خدایا! به تو پناه می برم از طغیان حرص و تندی خشم و غلبه حسد... و سرپرستی بد برای زیر دستانمان.

شرح: آنچه که مراد امام علیه السلام است در نگاه اول شاید روشن نباشد. اما با کمی تأمل در می یابیم که ایشان در این حدیث شریف دارند ویژگی های کسانی را بیان می کنند که با غضب مقام ولایت و سرپرستی مردم، مردم را از ولایت معصومین محروم نموده اند. آری حرص و غضب و حسد، سه عامل اصلی که غاصبین خلافت را واداشت که مقام ولایت و سرپرستی مردم را از والیان بر حق الهی یعنی معصومین غضب کنند و خود را الی یوم القیامه مشمول لعن الهی بدانند.

۲۹- پرهیز از گناهکاران، ظالمان و فاسقان

إِيَّاكُمْ وَ صُحْبَةَ الْعَاصِينَ، وَ مَعُونَةَ الظَّالِمِينَ وَ مُجَاوِرَةَ الْفَاسِقِينَ، إِحْذَرُوا فِتْنَتَهُمْ، وَ تَبَاعَدُوا مِنْ سَاحَتِهِمْ.

از همنشینی با گناهکاران و یاری ستمگران و نزدیکی با فاسقان پرهیزید.
از فتنه هایشان برحذر باشید و از درگاهشان دوری گزینید.

شرح: در این حدیث هم امام علیه السلام بر لزوم توجه داشتن در انتخاب همنشین تأکید فرموده اند. چرا که انسان تدریجا رنگ و بوی کسانی را می گیرد که با آنها هم جوار است.

۳۰- نتیجه مخالفت با اولیاء الله

وَ اعْلَمُوا أَنَّهُ مَنْ خَالَفَ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ وَ دَانَ بِغَيْرِ دِينِ اللَّهِ، وَ اسْتَبَدَّ بِأَمْرِهِ دُونَ أَمْرِ وَلِيِّ اللَّهِ، فِي نَارٍ تَلْتَهُبُ

بدانید هر که با اولیای خدا مخالفت کند، و به غیر از دین خدا، دین دیگری را پیروی نماید و به رأی خویش استبداد ورزد، نه به فرمان ولی خدا، در آتشی فروزان درافتد.

شرح: این حدیث شریف اثبات می کند که مراد از اولیاء خدا در کلمات معصومین نیست مگر خود ایشان که معصومند، چراکه همانطور که می بینیم در این حدیث شریف به صراحت مخالفت با اولیاء خدا را با مخالفت با دین خدا یکی دانسته اند. و نیز نهایت کار مخالفان را نار و آتش معرفی نموده اند و چه بسیار است احادیثی که در تفسیر آیات نار و جهنم، ائمه اطهار

علیهم السلام فرموده اند که منظور از اهل دوزخ، مخالفان ولایت ما است و اهالی جنت شیعیان ما هستند!

۳۱- توجّه به قدرت و قرب خدا

خَفِ اللّٰهَ تَعَالٰی لِقُدْرَتِهِ عَلَیْكَ وَ اسْتَحْيِ مِنْهُ لِقُرْبِهِ مِنْكَ

از خدای متعال به خاطر قدرتش بر تو بترس، و به خاطر نزدیکی اش به تو، از او شرم و حیا داشته باش .

شرح : بدون شرح !!!

۳۲- بهترین میوه شنوایی

لِكُلِّ شَيْءٍ فَاكِهَةٌ وَ فَاكِهَةُ السَّمْعِ الْكَلَامُ الْحَسَنُ

برای هر چیزی میوه ای است و میوه شنوایی، کلام نیکوست.

شرح: منظور از فاکهه و میوه، همان ثمرات و نتایج اعمال است. و چه زیبا فرموده اند امام سجاد علیه السلام که میوه و ثمره ی شنوایی، کلام نیکو است. یعنی بدان و آگاه باش که اگر طالب آن هستی که کلامت نیکو باشد ، باید در دوره ای از عمرت پای درس بزرگان و علما بنشینی و خوب گوش کنی . و نیز بدان و آگاه باش که اگر کسی را دیدی که نیکو سخن می گوید حتما او هم شنونده ی خوبی بوده است. و این حکم برای انسانهای معصوم نیز صادق است. اما مگر کسی در این عالم از ایشان برتر و بالاتر است که بتواند معلم ایشان باشد؟ ایشان کسانی هستند که جز از خدا نمی شنوند و لذا سخنان ایشان گهربار ترین و شیرین ترین کلمات است!

۳۳- فایده سکوت

كَفَّ الْأَذَى رَفْضُ الْبَدَاءِ، وَ اسْتَعِينُ عَلَى الْكَلَامِ بِالسُّكُوتِ، فَإِنَّ لِلْقَوْلِ حَالَاتٍ تَضُرُّ، فَأَحْذَرِ الْأَحْمَقَ.

جلوگیری از آزار، ترک کلام قبیح است، و در سخن گفتن از سکوت کمک بخواه، زیرا برای سخن، حالاتی است که زیان می زند، بنابراین از سخن احمق برحذر باش .

شرح: انسان در سکوت می اندیشد، متوسل به خدا می شود و نیز به دیگران فرصت تدبر می دهد، لذا کسی که در مقام سخن گفتن قرار می گیرد و برای جمعی سخن می گوید شایسته است که در هنگام سخن گفتن، یکریز نگوید، بلکه با مکث‌هایی بجا و سنجیده هم خودش با تأمل و توجه سخن بگوید و هم فرصت هزم و تدبر به مخاطبینش بدهد و هم اینکه در این لحظات محدود سکوت، در قلب خود متوسل به خدایی باشد که می تواند با الهام مطالب بجا و سنجیده، حق را از زبان او جاری سازد.

۳۴- راستگویی و وفا

خَيْرُ مَفَاتِيحِ الْأُمُورِ الصِّدْقُ، وَ خَيْرُ خَوَاتِيمِهَا الْوَفَاءُ

بهترین کلید گشایش کارها، راستگویی، و بهترین پایانی آن وفاداری است .

شرح: مراد از صدق، راستگویی است و جالب این است که یکی از اولین جنود عقل که امام صادق علیه السلام در حدیث جنود عقل و جهل بر شمرده اند، همین صادق بودن است و مراد از صدق تصدیق امر خداست حتی به نحو فطری. و منظور از وفا، شاید در اینجا وفا به همان عهد و پیمانی باشد که خداوند از تمام ابناء بشر گرفته است. عهدی فطری که جز خدا را نباید پرستید. با این حساب معلوم می شود که این حدیث شریف به ابتدا و انتهای زندگی بشر اشاره دارد و تأکیدی است بر اینکه انسان برای سعادت‌مندی کافی است که از مسیر فطرتش حرکت کند و با ندای وجدانش مخالفت نکند، صادق باشد و وفا دار به آن عهد و پیمان فطری. و نیز در همین راستا به حدیث بعد توجه نمایید:

۳۵- قال عليه السلام: يَا ابْنَ آدَمَ، إِنَّكَ لَا تَزَالُ بِخَيْرٍ مَا دَامَ لَكَ وَاعِظٌ مِنْ نَفْسِكَ، وَ مَا كَانَتْ الْمُحَاسَبَةُ مِنْ هَمِّكَ، وَ مَا كَانَ الْخَوْفُ لَكَ شِعَارًا.

ای فرزند آدم، همیشه در عافیت و خیر، خواهی بود مادامی که از درون خود پند دهنده‌ای داشته باشی و محاسبه(نفس) از کارهای مهمت باشد و ترس از (عاقبت امور) سرلوحه‌ات گردد.

۳۶- اخلاق مؤمن

مِنْ أَخْلَاقِ الْمُؤْمِنِ الْأَنْفَاقُ عَلَى قَدْرِ الْإِفْتَارِ، وَ التَّوَسُّعُ عَلَى قَدْرِ التَّوَسُّعِ، وَ إِنْصَافُ النَّاسِ، وَ
إِبْتِدَاؤُهُ إِيَّاهُمْ بِالسَّلَامِ عَلَيْهِمْ

از اخلاق مؤمن، انفاق به قدر توانایی، و توسعه در بخشش به قدر توسعه ی مال، و انصاف دادن به مردم، و پیشی گرفتن سلام بر مردم است .

شرح: این حدیث شریف نیز حدیثی بسیار کاربردی است یعنی میزان و معیاری است برای ما که ببینیم چقدر می توانیم مصداق یک فرد مومن باشیم.

انفاق و بخشش به میزان دارایی و توانایی و افزایش این انفاقات به وقت افزایش در آمدها سرمایه ها و نیز انصاف در حق مردم و پیشی گرفتن بر سلام.

نکته: مردم غالباً تصور می کنند که این سلام همان لفظ سلام است و منظور امام علیه السلام این است که به زبان باید در سلام پیشی بگیریم. البته این هم هست ولی این تمام ماجرا نیست. سلام دادن در واقع یعنی اعتراف بر اینکه از جانب من به شما هیچ ضرر و خسارتی نمی رسد و شما از طرف من صد درصد در سلم و سلامت هستید. حالا ببینیم که وقتی با زبان به کسی سلام می گوئیم آیا در قلبمان هم حقیقتاً همین را می گوئیم؟ عجیب است که در این بخش از کلام معصوم علیه السلام در می یابیم که فرد مومن کسی است که تمام وجودش به دنبال نفع رسانی به دیگران است. او کسی است که از جانب او هیچ کس حتی ذره ای ضرر نبیند. او کسی است که حتی در اعماق قلب و نیتش هم برای کسی ذره ای بدی نخواهد حتی اگر این بدخواهی فقط در عدم خیر خواهی خلاصه شود!!!

و دقت کنید که این حدیث به تعریف مومن پرداخته است و نه به تعریف مسلم. یعنی فرق است بین کسی که به زبان مسلمان شده و کسی که اسلام را در اعماق وجودش چشیده و متصف به صفات یک مومن حقیقی شده است.

۳۷- درباره عافیت

إِنِّي لِأَكْرَهُ لِلرَّجُلِ أَنْ يُعَافِيَ فِي الدُّنْيَا فَلَا يُصِيبُهُ شَيْءٌ مِنَ الْمَصَائِبِ

من برای کسی نمی پسندم که در دنیا عافیت داشته باشد و هیچ مصیبتی به او نرسد .

شرح: چراکه مصائب در دنیا عامل رشد و بالندگی انسان است. و هرکس که با مصائب بیشتری دست و پنجه نرم کرده باشد به کمال و تعالی اش نزدیکتر است.

اساساً از نظر تربیتی هم جزو اصول روان شناسان و علمای تربیتی است که باید فرد را درگیر و وارد زندگی کنی تا حقیقتاً بیاموزد و رشد کند.

۳۸ - قال علیه السلام: سَادَةُ النَّاسِ فِي الدُّنْيَا الْأَسْحِيَاءُ، وَ سَادَةُ النَّاسِ فِي الْآخِرَةِ الْأَتْقِيَاءُ.
در این دنیا سرور مردم، سخاوتمندان هستند؛ و در قیامت سید و سرور مردم، پرهیزکاران خواهند بود.

شرح: اسخیا یعنی سخاوتمندترین مردم ، و اتقیا یعنی با تقوا ترین مردم. حالا شما خود قضاوت کنید و در بین مردم بگردید تا این «ترین ها» را پیدا کنید.

آیا سخاوتمند تر از رسول خدا و اهل بیت عصمت و طهارت می یابید؟ و آیا با تقواتر از ایشان سراغ دارید؟

اکنون یک بار دیگر این حدیث شریف را بخوانید تا حقیقت کلام امام سجاد علیه السلام بر شما روشن شود:

حقیقتاً که این چهارده نفر معصوم در این دنیا از نظر مقام سیادت و برتری، بی نظیرند و ایشانند که در تمام خوبی ها سید و سرور بقیه هستند. سید النساء العالمین از بین ایشان است. سید الاوصیاء و سید الانبیاء و سید الشداء از ایشان است. سید الساجدین از ایشان است و ...

و نیز در آخرت هم کسی نسبت به این خاندان سیادت و برتری نخواهد داشت. لذا در زیارت جامعه کبیره هم می خوانیم که : بکم بدأ الله و بکم یختم ، یعنی شما ابتدا و انتهای هر خیر و کمال هستید .

۳۹ - قال علیه السلام: عَجِبْتُ لِمَنْ يَحْتَمِي مِنَ الطَّعَامِ لِمَضْرَّتِهِ، كَيْفَ لَا يَحْتَمِي مِنَ الذَّنْبِ لِمَعْرَتِهِ

تعجب دارم از کسی که به خاطر ضررهای غذا نسبت به (تشخیص خوب و بد) خوراکش اهتمام می ورزد ، چگونه نسبت به گناهان به خاطر زشتی و زیانش اهمیّت نمی دهد.

شرح: یکی از مصیبت‌های ما همین است که فقط به فکر جسم و تنمان هستیم و از توجه به نفس و بیماری ها و کمبودهایش غافلیم. در حالی که همه می دانیم که انسانیت انسان به نفس

اوست نه به جسمش. بلکه در جسمانیات با حیوانات بسیار شبیهیم و آنچه سبب مغایرت ما با حیوانات است، نفس انسانی ما می باشد.

نفس انسانی در صورتی که به خوراکش و به اصطلاح دقیقتر به واردات و صادراتش توجه نشود به نفس حیوانی تنزل نموده و خوی حیوانی می گیرد.

در این حدیث شریف امام علیه السلام می خواهند به ما متذکر شوند که گناه، در واقع همچون غذای مسمومی است که ما به خورد نفسمان می دهیم. و همانطور که غذاهای جسم اقسامی دارند که از هر یک، یک دسته خصوصیات عارض بر جسم می شود، غذاهای نفس هم اقسامی دارد. و انسان برای رسیدن به سلامت نفس و داشتن نفسی طیب، لازم است که دائم در حال تزکیه باشد.

نکته: وقتی که درختی میوه هایش مرغوب نباشد، از طریق پیوند زدنش به درختی مرغوب، به اصلاح ثمرات آن می پردازند. ما نیز باید درخت وجودمان را به شجره ی طوبی که نیست جز مکتب ولایت اهل بیت علیهم السلام، پیوند بزنیم تا تدریجا نقایص وجودی ما را رفع کنند و ما را از شر آفات و خسارتهایی که با ارتکاب ذنوب در نفسمان ایجاد کرده ایم خلاصی بخشند.

۴۰- قال علیه السلام: آيَاتُ الْقُرْآنِ خَزَائِنُ الْعِلْمِ، كَلَّمَا فَتِحَتْ خَزَائِنُهُ، فَيَنْبَغِي لَكَ أَنْ تَنْظُرَ مَا فِيهَا

آیه های قرآن، هر کدام آن، خزینه علوم (خداوند) است، هر گاه خزینه ای باز می شود شایسته است که خوب در آن بنگری.

شرح: در زیارت جامعه کبیره در وصف معصومین علیهم السلام آمده است که شما خزانه های علم خدایید. (خُزَانُ عِلْمِ اللَّهِ) همچنین در تفسیر آیات الهی و آیه الکبری، ائمه اطهار علیهم السلام فرموده اند که نحن آیات الله یعنی منظور از آیات خدا ما هستیم و ...

نتیجه: گویی که حضرت امام سجاد علیه السلام در این حدیث شریف در حقیقت دارند به خودشان اشاره می کنند. و به ما می فهمانند که وقتی هر یک از ائمه اطهار علیهم السلام نوبتش می رسد، بر ما که ادعای اسلام داریم، واجب است که در شناخت و معرفت امام تمام تلاش خود را بذل نماییم. وقتی که در خزینه ای به روی ما گشوده می شود یعنی وقتی که در دوران یکی از این بزرگواران زندگی می کنیم.

لذا مخاطب این حدیث می توانیم خود ما باشیم.

خوب دقت کنید که امام سجاد علیه السلام دارند با ما سخن می گویند. ما را مورد خطاب قرار داده و می فرمایند که حالا که در عصر و دوران امامی معصوم هستی و ایشان خزانه ی علم خداوند هستند، برای نیل به این علم و معرفت باید به سراغ امام خود بروی و او را بشناسی. و حقیقتا که وای بر کسی که امام زمانش را نشناسد . فرموده اند که دینش زائل می شود. و براستی آیا نفهمیدن آیات قرآن مساوی با زائل شدن دین نیست؟ پس روشن است که آیات قرآن ائمه ی اطهارند که آنها هستند خزانه های علم خدا ! لذا مولا امیر المومنین در این خصوص فرموده اند که تمام کرائم قرآن در شأن ما است و به همین دلیل است که ایشان را قرآن ناطق نامیده اند. و از طرفی ائمه اطهار علیهم السلام فرموده اند که هر وصفی که درباره ی یکی از ما گفته شود درباره ی همه ی ما صادق است چراکه ایشان کلهم نور واحد هستند.

السلام علیکم یا اهل بیت النبوه و موضع الرساله

اللهم صل علی محمد و آل محمد

و عجل فرجهم

و فرجنا بهم